

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سیستان و بلوچستان

دانشگاه سیستان و بلوچستان

موضوع پایان نامه :

هنجارستیزی اجتماعی در ادب عرفانی با تکیه  
بر اسرار التوحید، مثنوی های عطار و غزلیات حافظ

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر احمد رضا کیخا فرزانه

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر محمد امیر مشهدی

تدوین و نگارش :

حسن محمودی صاحبی

**گروه تخصصی زبان و ادبیات فارسی**

**کارشناسی ارشد**

**موضوع پایان نامه :**

**هنجارستیزی اجتماعی در ادب عرفانی با تکیه  
بر اسرار التوحید، مثنوی های عطار و غزلیات حافظ**

**استاد راهنما :**

**جناب آقای دکتر احمد رضا کیخا فرزانه**

**استاد مشاور :**

**جناب آقای دکتر محمد امیر مهدی**

**تدوین و نگارش :**

**حسن محمودی صاحبی**

**تقدیم :**

به همه کسانی که دوستشان داشته ام  
و دوست خواهم داشت ....

## سپاسداری:

بر گردن بنده است که از الطاف بی شائبه جناب آقای دکتر احمد رضا کیخا فرزانه استاد راهنما و جناب آقای دکتر محمد امیر مشهدی مشاور محترم شکر گزاری نمایم. کرامت و سعۀ ی صدر این دو بزرگوار چراغ راه و عصای دست کم مایه ی نابینایی چون من بود.

همچنین از جناب دکتر خادمی که در بعضی موارد یاری رسان و دستگیر بنده بوده اند و از دوستان ارجمندم جناب آقای مجید نجاتی و جناب آقای محسن شیوا نسب و جناب آقای کریمی پور کمال تشکر را دارم.

در پایان از صبر و شکیبایی همسر و دو هدیه ی الهی سحر و ساینه در طول مطالعه و تدوین این پژوهش از درگاه الهی شکرها دارم .

گرچه دوریم از بساط قرب، همت دور نیست بنده شاه شماییم و ثناخوان شما

والله مع الصابرين

حسن محمودی صاحبی

## چکیده

هنجارستیزی، یکی از راهکارهای آگاهان، پیشروان، شاعران و نویسندگانی است که در برابر شرایط موجود و نگاه مطلق انگارانه سیاست و مذهب زمانه خود به کار می‌گیرند. شاعران عارف یا عارفان شاعرما از طریق زبان که بهترین راه ارتباط با مخاطب است سعی داشته‌اند، شیوه‌های اندیشه‌گی و نوع نگاه خود را به حیات و مخلوقات و هر آنچه که جزم‌گرایان تلاش داشته‌اند مانع ظهور آن شوند به نمایش بگذارند و از زبان عقلاء مجانبین یا دیوانگان جسور و یا رندان پاکباز قرائتی دیگر از آنچه بیشتر، پیش رو بوده است به دست دهند. عمده‌ترین هدف نگارش این پایان‌نامه یافتن مصادیق هنجارستیزی در اسرار التوحید و مثنوی‌های چهارگانه‌ی عطار و غزلیات حافظ بوده است. که در فصل اول به بیان مسأله‌ی تحقیق، ضرورت و اهمیت این تحقیق، اهداف تحقیق - سئوالات تحقیق و طرح فرضیه‌ها پرداخته و در فصل دوم، مفاهیم و کلیات تحقیق، شامل مباحثی از قبیل: هنجار چیست، دلایل ظهور هنجار شکنی، انواع هنجار شکنی از نگاه بست مدرن‌ها و نقش‌های زبان مطرح گردیده و در فصل سوم، مختصری از زندگی و احوال و افکار شیخ ابوسعید ابوالخیر، عطار نیشابوری و حافظ شیرازی و در فصل چهارم آن مصادیق هنجارستیزی در اسرار التوحید - مثنوی‌های عطار و غزلیات حافظ آمده است.

## فهرست

صفحه

عنوان

### فصل اول : کلیات

- ۱-۱- مقدمه ..... ۱
- ۱-۲- بیان مساله تحقیق: هنجار ستیزی ..... ۳
- ۱-۳- پیشینه تحقیق ..... ۴
- ۱-۴- ضرورت و اهمیت تحقیق ..... ۴
- ۱-۵- اهداف تحقیق ..... ۵
- ۱-۶- سئوالات تحقیق ..... ۵
- ۱-۷- فرضیه ها ..... ۵

### فصل دوم : تعاریف

- ۱-۲- هنجار چیست؟ ..... ۶
- ۲-۲- هنجار ستیزی (هنجار شکنی - هنجار گریزی) ..... ۶
- ۳-۲- زمینه های ظهور هنجار شکنی ..... ۸
- ۴-۲- انواع هنجار شکنی ..... ۱۱
- ۵-۲- نقشهای زبان ..... ۱۴

### فصل سوم : زندگی نامه

۱-۳- ابوسعید ابوالخیر ..... ۱۷

۲-۳- زندگی نامه ی عطار ..... ۱۹

۳-۳- حافظ شیرازی ..... ۲۳

### فصل چهارم : بررسی هنجار در

۱-۴- اسرارالتوحید

عقل ستیزی ..... ۲۶

زهد ستیزی ..... ۲۱

۲-۴- مثنوی های چهارگانه عطار

عقل ستیزی در منطق الطیر ..... ۴۱

زهد ستیزی در منطق الطیر ..... ۴۳

شواهد هنجار ستیزی شیخ شوخ عطار در منطق الطیر ..... ۵۱

عقل ستیزی در اسرار نامه ..... ۶۳

زهد ستیزی در اسرارنامه ..... ۶۶



عقل ستیزی در الهی نامه ..... ۶۹

زهد ستیزی در الهی نامه ..... ۷۰

عقل ستیزی در مصیبت نامه ..... ۸۲

زهد ستیزی در مصیبت نامه ..... ۸۷

### ۳-۴ - هنجار ستیزی در غزلیات خواجه شمس الدین حافظ شیرازی

عقل ستیزی در غزلیات حافظ ..... ۱۰۲

زهد ستیزی در غزلیات حافظ ..... ۱۱۰

نتیجه ..... ۱۶۹

منابع و مأخذ ..... ۱۷۰

# فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه

۱-۲- بیان مسأله تحقیق: هنجار ستیزی

۱-۳- پیشینه تحقیق

۱-۴- ضرورت اهمیت تحقیق

۱-۵- اهداف تحقیق

۱-۶- سوالات تحقیق

۱-۷- فرضیه‌ها

## مقدمه: ۱-۱

زبان و ادب فارسی بستری منسب برای ظهور والاترین اندیشه‌ها و تفکرات بوده است. از سوی دیگر عرفان به زبان و ادب فارسی عمق و زیبایی خاصی بخشیده‌اند. این تلاقی ادبیات و عرفان منجر به ظهور آثار و اشعار ارزشمندی شد که ادبیات فارسی را زیبا و دلنشین کرده است.

مهمترین تأثیر عرفان بر ادبیات فارسی تغییر زبان فاخر درباری به زبان عامه و عام پسند است. زبانی که از ساده‌ترین و حتی شاید مذموم‌ترین واژه‌ها زیباترین مفاهیم را بیرون کشید و کلماتی مانند رند را که روزی معنایی نامناسب داشت را کسانی مانند سنایی، عطار و حافظ رنگی زیبا و قابل پسند به آن بخشیدند. عرفان ایرانی بر پایه تفکراتی بنیان گذاشته شد که به نوعی با بسیاری از اعمال و اندیشه‌های حاکم بر جامعه مغایرت داشته است. همین امر سبب شد عرفان ایرانی یا از طریق «سلوکی» یا از طریق «زبانی» در تغییر شرایط موجود تلاش کنند. ظهور شخصیت‌هایی چون «بایزید»، «حسین بن منصور حلاج»، «شیخ اشراق» نمودی از همین تغییر نگرش‌هاست. اگر چه عرفان ایرانی در دوره آغازین از نوشتن پرهیز می‌کرده‌اند، اما بتدریج و با رشد تصوف، شاعران و عارفانی ظهور کردند که هم اندیشه‌های هنجار ستیز متصوفه را به دوش می‌کشیدند و هم در پی زبانی بودند که بیانگر نوع نگاه و اندیشه‌ی آنان باشد. ظهور عارف بلند نظری چون ابوسعید ابوالخیر و شاعرانی چون سنایی، عطار، حافظ، و مولانا روند طبیعی این گذر تاریخی است.

برای یافتن سیر این هنجار ستیزی‌ها و شناخت آن به بررسی‌های طولانی و دقیق نیازمندیم زیرا هر چه از دوره‌های آغازین تصوف پیشتر می‌رویم نمونه‌های هنجار ستیز بیشتر و گسترده‌تر می‌شود و این نگاه آغازین تصوف بتدریج پخته‌تر و زیباتر جلوه می‌کند. قلندریه و ملامتیه به شکل بارزتری در ادبیات عرفانی چهره می‌نمایند چرا که روحیه لابلایگری و بی‌قیدی ایشان نسبت به مسائل دینی و عادی و روزمره و ستیز بی‌محابایشان با هر گونه مطلق‌نگری و جزم‌اندیشی، فضای مناسبی برای بیان اندیشه‌های هنجار ستیز «ابوسعید ابوالخیر»، «سنایی»، «عطار»، «حافظ» و مولاناست. حمله به بسیاری از مفاهیم مطلق و ثابت زمانه

و جایگزینی مفاهیم جدید به جای آن در اکثر این آثار دیده می‌شود مسجد جای خود را به میخانه و خرابات می‌دهد و زاهد و مفتی و محتسب در حال تزویر و ریا هستند و فقط پیر پیمانه کش است که راه نجات را می‌داند و آن شراب نابی است که زورش مرد افکن بلند بنده ای که باید تسلیم محض خدا باشد سربلند می‌کند و با اعتراض زبان می‌گشاید و رندانه به عدالت خداوند و رحمت او با دیده انکار و شک می‌نگرد تا غیر مستقیم به بی عدالتی های حاکمان مذهبی و سیاسی جامعه بتازد.

برای دریافت دقیق‌تر این اندیشه‌ها ابتدا به مطالعه آثاری پرداختیم که سیر تاریخی و دگر دیسی‌های تصوف را پی‌گرفته بودند؛ آثاری چون: «جستجو در تصوف ایران»، «ارزش میراث صوفیه»، «تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن» اثر زرین کوب، «سرچشمه تصوف در ایران»، «مرحوم نفیسی»، «پژوهشی در پیدایش و تحولات همراه تصوف و عرفان»، «عبدسعلی عمید زنجانی». در این جستجو با اندیشه گروه‌های پیشرویی چون ملامتی و قلندریه که در آثار متصوفه ظهور چشمگیری دارند، آشنایی بیشتری حاصل شد.

در اکثر تحقیقاتی که در باب تصوف تدوین شده است به هنجار ستیزی و هنجارگریزی‌های متصوفه توجه شده است، اما به شکلی خاص در مورد «اسرار التوحید شیخ ابوسعید ابوالخیر» و مثنوی‌های چهارگانه‌ی عطار و «غزلیات حافظ» اثری منسجم پدید نیامده است. از این رو به بررسی هنجارستیزی‌های این سه شخصیت پرداختیم. برای رسیدن به این مقصود ابتدا «اسرار التوحید»، «مثنوی‌های چهارگانه عطار» و «غزلیات حافظ» را به دقت مورد مطالعه قرار داده و در مرحله‌ی بعد به استخراج شواهد هنجار ستیزی آنها اقدام و سپس به موارد مشخصی تقسیم نموده و در پایان هر یک از موارد هنجار ستیزی با استفاده از منابع موثق، توضیحی مجمل برای درک دقیق‌تر موضوع آورده ایم.

با این وجود هرگز ادعا نداریم که این تحقیق خالی از نقص و خطاست و امیدواریم که اهل ذوق و علم با دیده‌ی کرم در آن بنگرند.

## ۲-۱- بیان مسأله ی تحقیق: هنجار ستیزی

هنجار ستیزی یا هنجار گریزی یکی از شاخصه‌های شناخت شاعران بزرگ است از آنجایی که هنجار گریزی را بیشتر در بحث‌های زبانی مطرح کرده اند می توان از طریق کارکردها و نقش های زبان به ستیزی که در لایه درونی زبان به عنوان پیام گوینده مطرح است دست یافت.

از سوی دیگر نمی توان برای هنجار تعریفی خاص در نظر گرفت زیرا هر جامعه ممکن است هنجارهایی داشته باشد که در جوامع دیگر ضد هنجار باشد. جالب تر آنکه حتی در یک جامعه، هنجارها متفاوت است آن چنان که برخی از صوفیه حتی از خواندن شعر پرهیز می کردند ولی گروهی دیگر از آن برای تعالیم خود و نشر اندیشه هایشان بهره می برده اند چه بسا آنچه را که ابوسعید ابوالخیر و عطار و حافظ به آن می تاخته اند برای زاهد و محتسب و قاضی شهر هنجارهایی دوست داشتند و قابل احترام بوده است و بی گمان همین تفاوت نگرش نسبت به هنجارها بوده که منجر به تکفیر ها شد و حتی بسیاری را بر مرکب چوبین نشانده است .

با توجه به همین نکته است که بسیاری معتقدند هنجار گریزی از همان ابتدای ظهور انسان به عنوان یک موجود اندیشمند وجود داشته است و بشری که نسبت به شرایط و اوضاع اطراف خود معترض بوده آن را با نگاه و اندیشه ی خود در تضاد می دیده به ستیز با آن برخاسته است.

هنجار گریزی در ادبیات غربی Grottesque نامیده می شود در لغت به معنای مرموز و ناشناخته است و از واژه Grotto یعنی راهرو و سردابه مخفی گرفته شده است در غرب نیز این پدیده را به جشنواره های دوره باستان می رسانند. (مقدادی، ۱۳۸۸: ۵۲)

اما آنچه در این رساله بیشتر مطرح نظر بوده است اندیشه و نگاه هنجار ستیزی است که در شیوه های زبانی متفاوت نثر و شعر به ظهور رسیده است.

همچنین سعی شده برای همه مفاهیمی که شخصیت های موردنظر به ستیز با آن پرداخته اند تأویل و تفسیر یا نکته هایی که هم عصران ایشان در کار کرده اند جهت تأکید یا حتی نفی مسأله آورده شود مگر در مواردی که از تکرار پرهیز شده است

### ۳-۱- پیشنهاد تحقیق:

عرفان و تصوف یکی از موضوعات اساسی ادبیات فارسی است. آنگونه که بررسی ادبیات فارسی بدون شناخت تصوف و تاریخ آن و چگونگی ظهور و بروز زمینه های رشد و حتی افول آن امکان پذیر نمی باشد، لذا آثار فراوانی در این زمینه نوشته شد که جسته و گریخته به هنجار ستیزی های متصوفه نیز توجه داشته اند از جمله:

«ارزش میراث صوفیه در»- جستجوی تصوف- اثر مرحوم زرین کوب- مباحث هلموت ریتز در دریای جان- «سرچشمه تصوف در ایران مرحوم سعید نفیسی»، «تعلیقات دکتر شفیع کدکنی»، «بر اسرار التوحید و مثنوی های چهارگانه ی عطار»، «مباحث مرحوم فروزانفر در مثنوی شریف»، «قلندر نامه ی دکتر شفیع» «مقدمه احمد مجاهد بر آثار غزلی»، «مباحث گوناگون حافظ نامه اثر بهاء الدین خرمشاهی»، «مکتب حافظ اثر منوچهر مرتضوی» و البته برخی مقاله ها نیز به این مسأله توجه نشان داده اند که به شکل گسترده به کل ادبیات عرفانی نظر داشته اند. مانند مقاله ی خانم مریم مشرف، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی که البته نگاهی جدیدتر به این مسأله داشته است.

اهمیت رساله ی حاضر در این است که زیر ساخت و شاکله ی اصلی و اساسی هنجار ستیزی- اندیشه و نگاه هنجار ستیز- ابو سعید ابوالخیر- عطار نیشابوری و حافظ به شکل منسجم ارائه شده است.

### ۴-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق:

با آنکه در موضوع تصوف عرفان ایرانی و اسلامی منابع و مآخذ فراوانی فراهم شده است و تلاش های زیادی در این زمینه به فرجام رسیده است، اما متأسفانه آنچنان که باید و شاید به این مبحث یعنی هنجار ستیزی در ادبیات عرفانی پرداخته نشده و فقط گاه و گذرا اشارتی بدان رفته است.

نگارنده این تحقیق سعی داشته با یافتن مصادیق هنجار ستیز در سه دوره زمانی متفاوت و آشکار ساختن اندیشه های هنجار گریز ایشان نگرشی نو به ادب عرفانی داشته باشد.

#### **۵-۱- اهداف تحقیق:**

- ۱- شناخت شخصیت های مهم هنجار ستیز در ادبیات عرفانی (ابوسعید ابوالخیر، شیخ فرید الدین عطار نیشابوری، خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی)
- ۲- رهیابی به آفات اجتماعی و آفات صوفیه با توجه به هنجار ستیزی ها در سه دوره متفاوت (ریا)
- ۳- شناخت و پذیرش پدیده هنجار ستیزی به عنوان یکی از اصول زیباشناختی در ادبیات
- ۴- پذیرش جریان هنجار ستیز به عنوان یک جریان مداوم و مستمر و تأثیرگذار در طول حیات تصوف و عرفان ایرانی

#### **۶-۱- سؤالات تحقیق:**

- ۱- آیا هنجار ستیزی عارفانه مبارزه ای مستقیم یا غیر مستقیم با افکار و اندیشه های حاکم بر جامعه است؟
- ۲- آیا هنجار ستیزی با گذشت زمان متوقف می شود یا بالنده تر به حیات خود ادامه می دهد؟

#### **۷-۱- فرضیه ها:**

- ۱- به نظر می رسد که شاعران عارف و عارفان شاعر ما (به خصوص شخصیت های محوری این مبحث) (ابوسعید ابوالخیر، فرید الدین عطار نیشابوری، خواجه شمس الدین محمد شیرازی) به ستیزی هنرمندانه علیه حاکمیت اندیشه های متعصبان و زاهدان و ظاهر نمایان پرداخته اند.
- ۲- هر چه از ابوسعید به سمت حافظ پیش می رویم مولفه های هنجار ستیز گسترده تر و نوع بیان آنها هنری تر و زیباتر جلوه گر می گردد.

## **فصل دوم: تعاریف**

**۱-۲: هنجار چیست؟**

**۲-۲: هنجارستیزی (هنجارشکنی - هنجارگریزی)**

**۲-۳: زمینه های ظهور هنجارشکنی**

**۲-۴: انواع هنجارشکنی**

**۲-۵: نقشهای زبان**



## ۲-۱- هنجار چیست؟

آنچه «هنجار» نامیده می‌شود، پدیده‌ای اجتماعی - روانی است، زیرا از اجتماعی به اجتماع دیگر متفاوت است و جدا از آن در هر فرد نیز می‌تواند به گونه‌ای خاص مطرح باشد. (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۴)

به اعتقاد هاورنک (B.Havrnec) فرآیند خودکاری زبان در اصل به کارگیری عناصر زبان است، که قصد بیان موضوعی به کار رود، بدون آنکه شیوه بیان جلب نظر کند و مورد توجه اصلی قرار گیرد، ولی برجسته‌سازی به کارگیری عناصر زبان است. به گونه‌ای که شیوه بیان جلب نظر کند، غیر متعارف باشد و در مقابل فرآیند خودکاری زبان، غیر خودکار باشد (همان: ۳۴)

این مشکل مورد بررسی و بحث بسیاری از زبان‌شناسان قرار گرفته است. برای نمونه، کلوسنار (A. cluysenar) برجسته‌سازی را با الگوهای روان‌شناسی ادراک برابر می‌داند، در حالی که کریستال (P. crystal) و دیوی (D. Davy) گفتگوی غیر رسمی را زبان هنجار می‌دانند. اسو (H. Esau) نیز گفتار غیر رسمی را به عنوان زبان هنجار به دست می‌دهد که بی‌شبهت به دیدگاه کریستال و دیوی نیست. کوهن (J. Cohen) نیز زبانی را هنجار می‌داند که به هنگام طرح یک موضوع علمی به کار می‌رود. وی در این مورد برای اشاره به زبان هنجار از اصطلاح «زبان علم» استفاده می‌کند. زبان‌شناسانی چون شورت (M.H. Short) نشان دادند که در محدوده روابط دستوری - واژگانی تعیین قطعی قواعد هنجار امکان پذیر نیست. با تمامی این تلاشها پرسشی که ویدوسون (H.G. Widowson) مطرح ساخته بود بدون پاسخ باقی‌مانده بنا به گفته او چگونه انحرافی را می‌توان هنجار گریزی دانست؟

به اعتقاد لیچ (G.N. Leech) زبان ادبی نسبت به دیگر گونه‌های کاربردی زبان پیچیده‌تر است. خود ارجاع است و از خود کاری کمتری برخوردار است. (همان: ۳۵)

## ۲-۲- هنجار ستیزی (هنجار شکنی - هنجار گریزی)

شالوده شکنی و هنجار ستیزی بی‌آنکه بخواهیم «پست مدرنیسم» را به یاد می‌آورد همان مکتبی که می‌شود گفت یکی از مهمترین اصول آن شالوده شکنی است فلسفه پست مدرن اساساً به معارضة با

شالوده‌گرایی (foundationalism) ماهیت‌گرایی (essentialism) و رئالیسم برخاسته است برای مثال بنا به اعتقاد ریچارد رورتی مفروضات (assumptions) شالوده‌گرایی مورد اعتقاد مشترک فلاسفه برجسته قرن شانزده، هفده و هیجده میلادی همان پیش‌فرض‌هایی هستند که باید مردود شناخته شده و کنار گذاشته شوند. (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۹)

فلسفه پست‌مدرن در بهترین وجه به مثابه مفهوم خوشه‌ی پیچیده‌ای تلقی می‌شود که شامل عناصر زیر است: دیدگاهی ضد معرفت‌شناختی، موضعی ضد ماهیت‌گرایی، ضدیت با واقع‌گرایی، ضدیت با شالوده‌گرایی؛ مخالفت با برهان‌های استعلایی و مواضع استعلایی، نفی تصویر موجود از شناخت به مثابه بازنمایی - دقیق، نفی حقیقت به مثابه متناظر یا مطابق با واقعیت، نفی نظریه توصیفات کلی؛ نفی واژگان نهایی، یعنی نفی اصول، قواعد و مقولاتی که بی‌هیچ قید و شرطی برای تمامی زمان‌ها، اشخاص و مکان‌ها الزام‌آور و قطعی تلقی می‌شوند و نوعی سوءظن یا بدگمانی نسبت به فرا‌روایت‌ها به ویژه فرا‌روایت‌هایی که شاید بهترین تجسم آن را بتوان در ماتریالیسم دیا لکتیک یافت (همان: ۳۰)

با توجه به مفاهیم مذکور باید گفت: «حتی در خراسان که کانون ادب فارسی بود متصوفه و زهاد به آسانی نسبت به شعر روی موافق نشان نمی‌دادند در این سرزمین غالب صوفیه از شعر اجتناب می‌ورزیدند علاقه‌ی هم که ابوسعید ابوالخیر بنا بر مشهور به شعر و سماع نشان می‌داد استثنایی بود و با این مشرب اونه صوفیه خراسان موافق بودند نه علمای آنجا چنان که قاضی صاعد و ابوبکر محمشاد در صد برآمدند بر خون او محضر بنویسند و امام قشیری صوفی بزرگ خراسان در بسیاری از سخنان او به چشم انکار می‌دید و قاضی سیفی در سرخس جهت کشتن او کوشش کرد (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۴۱) ویا دیوانگان عطار در مثنویهایش کسانی که از این نظم جهانی گیج و آشفته شده‌اند و کسانی که خود گرفتار بدبختی‌های سختی شده‌اند با اظهارات تند و تلخ به خدا تاخته و سر خود را برای جدال و عقاب با خدا به آسمان بلند کرده‌اند (ریتر، ۱۳۷۷: ۲۲۷)

عطار در مثنوی‌های خود در برابر استجابت اعجاب‌انگیز دعا خود را شکاک نشان می‌دهد در آثار او خداوند به ندرت به درخواست‌های جسورانه اولیای خود گوش می‌دهد (همان: ۲۴۳)

ویژگی شاخص تفکر پست مدرن عدم اعتقاد به دنیای عینی و بی ایمانی نسبت به توجیهات و استدلال های کلی یا جهان شمول فلسفی و ناباوری یا عدم اعتماد به هر گونه فراروایت درباره مشروعیت است. با مشروعیت زدایی از نظام های جهانی تفکر، دیگر هیچ گونه شالوده و بنیانی به منظور بنای واقعیتی عینی و جهانی باقی نمی ماند (نوذری، ۱۳۸۰: ۶۱)

به ابیات زیر از حافظ توجه فرمایید:

من زمسجد به خرابات نه خود افتادم	اینم از عهد ازل حاصل فرجام افتاد/ یا
یاد باد آنکه خرابات نشین بودم و مست	و آنچه در مسجدم امروز کمست آنجا بود/ یا
از قیل و قال مدرسه حالی دلم گرفت	یک چند نیز خدمت معشوق و می کنم

(خرمشلمی، ۱۳۶۸: ۸۱-۸۰)

حافظ در ساختن رند انگیزه‌ها و الگوهای متعددی داشته است. از یک سو انسان کامل را از عرفان می گیرد و از سوی دیگر رند را به معنای قدیمی اش که شخصی لا ابالی یک لا قبای آسمان جل و در عین حال آزاده و گردنکش است و در برابر ارزشهای تحمیلی و دروغین طغیان می کند. انگیزه دیگرش میل به آفریدن شخصیتی است در برابر زاهد که نقطه مقابل و آنتی تز زاهد باشد و در تحلیل آخر رند را بر صورت خویش (حافظ) می پردازد و همه آرزوهای خود را که می خواهد آزاده و بی قید و وارسته و ملامتی باشد در شخصیت ملامتی و قلندروار او باز می آفریند (خرمشاهی، ۱۳۷۱: ۲۷)

## ۲-۳- زمینه های ظهور هنجار شکنی

چه علمی موجب می شود که یک نویسنده یا شاعر یا متفکر و مصلح اجتماعی از فرم زیبایی هنجار خارج شود؛ آیا ابتذال و سقوط یک زبان و خودکار شدگی (به قول کوروش صفوی در زبان شناسی به ادبیات) نمادها و سمبل ها و زیبایی های یک زبان موجبات ظهور هنجار شکنی ها و هنجار گریزی هاست؟ و اگر این پرسش را کمی گسترش و عمومیت ببخشیم آیا ابتذال فکری جامعه و اجتماعی بشری و ظهور هنجارهای نادرست که به طور قطع و یقین از سوی برخی منتفعین تبلیغ و تثبیت می شود موجب پدید آمدن گروهی از شاعران یا نویسندگان و متفکران نمی شود که بخواهند از طرق مختلف از جمله به شیوه

«سلوکی» و «یا» زبانی» به مبارزه علیه هنجارهایی که از دیدگاه آنان قابل تغییر و یا حتی گسترش است  
بپردازند؟

نمونه بسیار آشکار این گروه صوفیه هستند که از دو راه یعنی: ۱- سلوکی (آداب و رفتار) و ۲-  
زبانی به تغییر یا گسترش بنیان‌هایی پرداختند که سالها ریشه دوانیده و حتی موجب کشته شدن و به دار  
کشیده شدن برخی از آنان شده است.

پست مدرنیست‌ها نیز به جنگ با دنیای قطعیت‌ها و خواست‌های ثابت آمدند از نظر آنها (دریدا)  
شالوده‌شکنی غالباً متضمن نوعی قرائت است که با مرکز زدایی و نفی مرکزیت سر و کار دارد با آشکار یا  
افشا کردن ماهیت پیچیده و معماگونه هر گونه مرکز سر و کار دارد (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۰۶)

بنا به عقیده دریدا، تمام اندیشه‌ها و تفکرات غربی بر ایده وجود یک مرکز استوارند، یک منشأ،  
خاستگاه، یک حقیقت، یک صورت مثالی، یک نقطه ثابت، یک جوهره، یک خدا، یک حضور که معمولاً  
اسلامی خاص و معرفه هستند و ضامن یا تضمین‌کننده هر گونه معنی به شمار می‌روند (همان: ۱۰۶) از نظر  
دریدا اشکال مراکز این است که سعی دارند تا چیزها را از شمول خود خارج سازند، بیرون کنند، چیزی را به  
درون خود راه ندهند. (همان: ۷) به همین دلیل است که «کتاب حدیقه و سایر مثنویات سنایی در بیان  
عقاید و آرای صوفیه بیش و کم در حدود ظواهر شریعت است و از تندرویهای عطار و مولوی خالی است با  
این همه در عصر مولف مورد طعن بعضی فقیهان عصر واقع شده است و شاعر خود را ناچار دیده است از  
فقه‌های بغداد در باب صحت عقیده خویش و مطابقت کتاب با سنت و شریعت تحصیل فتوی کند (زرین  
کوب، ۱۳۶۹: ۱۶۵)

این مرکز‌گرایی که با جزم اندیشی و قطعیت‌نگری همراه است مانع ظهور به قول دریدا حاشیه  
هایی می‌شود که هر کدام برای خود دارای نمادهای محوری و یا سمبل‌های مرکزی خاصی هستند.

حتی پسا مدرنیست‌ها رابطه‌ای عمیق بین قدرت و زبان می‌بینند و معتقدند که حتی در روابط  
عادی روزانه (میشل فوکو) بیمارستان، تیمارستان، نوانخانه، دانشگاه، اطاق خواب جملگی مکتهایی هستند  
که در آنها روابط و مناسبات قدرت در حال عمل کردن هستند (نوذری، ۱۳۸۰: ۱۰۰) فوکو گفتمان‌ها را در